

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بِنَمَا به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۵۱) خَرَد (۲)

گفتم:

- من همچنان منتظرم تا، به تفصیل، برایم دربارهٔ جایگاه خَرَد و تفاوت آن با عقل سخن بگویید.

آن آشنا فرمود:

- علاوه بر جسم، برای نفس، و نیز برای هر بخش موجود در نفس - که به دلیل پیدایش عنصر آگاهی و

خود آگاهی در آن، به تعبیری، بالقوه، نسبت به جسم، نیم پله به آسمان نزدیک تر است - صورتی مثالی در

برزخ، و صورتی پالایش یافته و حقیقی در ملکوت (اولین سپهر از ساحات حقایق) وجود دارد.

مثلاً دل صورت ملکوتی قلب است ؛

البته منظورم صورت ملکوتی قلب نفسانی است و نه قلب جسمانی (اندام تپنده در سینه).

دیگر پدیده های موجود در نفس، چون احساسات و ادراکات و عقل، نیز، در شکل پالایش یافته خود، هر یک، صورتی متناظر در ملکوت دارند.

افزود:

- البته تا احساسات، ادراکات، و عقل شما، عیوب و نواقص خود را از دست ندهند نمی توانند صاحب صورت ملکوتی شوند.

چون

صورت متناظر هر پدیده در ملکوت، صورت کامل و بی عیب و نقص صورت ملکی آن است. گرچه در برزخ چنین نیست و، آن جا، عیوب و نواقص آن پدیده نیز صورت متناظر برزخی خود را دارند.

ادامه داد:

- پس صورت متناظر عقل یک انسان در ملکوت (یعنی صورت ملکوتی عقل او)، که در صافی برزخ پالایش یافته است، دیگر آرایش ها و ناتوانی ها و کاستی های عقل او در وادی ملک را ندارد و، به همین خاطر، اجازه می یابد تا به عقل بیکران ملکوتی بپیوندد.

پرسیدم:

- آیا می توانم بگویم که صورت متناظرِ عقلِ یک انسان، با عبور از پالایشگاهِ برزخ، یک بخش از عقلِ بیکرانِ ملکوتی را تشکیل می دهد؟

پاسخ داد:

- خیر

عقلِ بیکرانِ ملکوتی حاصلِ جمعِ صورت های ملکوتیِ عقولِ تک تک انسان ها نیست.

پرسیدم:

- آیا همان صورتِ ملکوتیِ عقلِ یک انسان است که خردِ او نامیده می شود؟
و ضمناً اگر فلسفه را محصولِ عقل، و حکمت را ثمرهٔ خرد بدانیم،
آیا حکمت را می توان صورتِ ملکوتیِ فلسفه دانست؟

فرمود:

- خیر. بر خلافِ تصورِ رایج در بین بسیاری کسان

خردِ یک فرد صورتِ ملکوتیِ عقلِ او نیست.

و لذا

حکمت را نیز نمی توان صورتِ ملکوتیِ فلسفه دانست.

پرسیدم:

- پس خرد چیست؟ و رابطه آن با عقل چگونه است؟

پاسخ داد:

- خرد بارقه ای از عقل بیکران ملکوتی، یا به بیان دقیق تر، روزنه ای به خرد بیکران ملکوتی است

که،

بنا به ضرورت، و به اندازه لیاقت هر فرد، به وادی ملک نازل می شود و به نحو شهودی، به او اعطا و نزد

آن فرد به ودیعه گذارده می شود

تا

او، به خواست "او"، در پرتو خرد، به حکمت (جهان بینی راستین توحیدی) دست یابد و راه را از چاه باز

شناسد.

خرد، رسول درونی "او" در قلب انسان ها، و حکمت، روح مشترک همه ادیان آسمانی است.

افزود:

- بار دیگر می گویم

خرد یک فرد، صورت ملکوتی عقل او نیست

یعنی

این گونه نیست که بخشی از عقل فرد، با گذر از صافی برزخ، عیوب و نواقص خود را از دست بدهد و به ملکوت راه یابد و سپس همان شکل متناظر ملکوتی عقل او، تحت نام خرد، به خودش بازگردانده شود

از این رو

میزان خرد افراد، متناسب و همتراز با اندازه عقل ایشان نیست.

ادامه داد:

- به همین خاطر، در بسیاری موارد، افرادی که از نظر عقل و هوش به پای دیگران نمی رسند، از لحاظ خرد،

نسبت به آن ها جایگاهی برتر دارند

و بر عکس،

فلاسفه و دانشمندان و ریاضیدانان با هوش اما کم خرد یا حتی بی خرد کم نبوده و نیستند.

پرسیدم:

- در برزخ و ملکوت چه بر سر احساسات و ادراکات انسان می آید؟

فرمود:

- مشابه آن چه که در مورد عقل گفته شد، احساسات و ادراکات هر فرد نیز، پس از پالایش در برزخ، به

احساسات و ادراکات بیکران ملکوتی می پیوندند.

و مهم آن که

از احساسات و ادراکات بیکران ملکوتی هم، در شرایط خاص، و بنا به ضرورت، و به اندازه لیاقت هر فرد، بارقه هایی، به نحو شهودی، بر قلب و ذهن او نازل می شوند.

پرسیدم:

- دانستن این نکات، برای انسان ها چه فایده ای را در بر دارد؟

فرمود:

- مقایسه این توانایی ها و این ساز و برگ های زمینی و آسمانی، به ویژه قیاس احساس زمینی با احساس آسمانی، و نیز سنجش عقل با خرد، روشنگر مسائل بسیار مهمی است که خود راهگشای مسیر بازگشت افراد و امت ها به پیشگاه "او" خواهند بود.

پرسیدم:

- چگونه؟

پاسخ داد:

- کافی است که امکانات و داشته ها و قابلیت های هر فرد و یا هر امت به گونه ای به کار گرفته شوند که او یا ایشان را با ملکوت مرتبط سازند.

گفتم:

- لطفاً مثال بزنید.

فرمود:

- مثلاً پولی که در اختیار دارید یکی از امکانات شماست که، در شرایط عادی، شما را قادر به زندگی آسان و آسوده در وادی مُلک (دنیا) می کند. ولی، در بسیاری موارد، همین امکان مالی، برخی کسان را به خود سرگرم نموده و از ملکوت (بخش بهشتی آخرت) دور می سازد،

اما

اگر شما، در اجرای فرمان "او"، و به قصد تقرب و نزدیک شدن به درگاه "او"، بخشی از آن پول را صرف نیکوکاری کنید، به همان نسبت، عمل شما بعد ملکوتی به خود می گیرد و امکانات مالی تان موجب پیوند شما با ملکوت می شود.

افزود:

- آن پول همچون بذری است که در توشه زندگی تان دارید. اگر آن را به نیت پیوستن به آسمان (بهشت)، به منظور کاشت درخت نیکوکاری، بر زمین بیفشانید، ثمراتش را چه در این دنیا و چه در آن سرای برداشت خواهید کرد.

فرمود:

- اگر عقل نیز، که یک توانایی ذهن و یک موهبت اعطایی به انسان است، توسط دارنده اش، در راه شناخت خداوند و اجرای فرامین "او"، به کار گرفته شود، حتی در همین دنیا، با سپهر ملکوت در ارتباط قرار می گیرد و در نتیجه، به دارنده آن، به نحو شهودی، و به عنوان پاداش، خرد عطا می گردد.

پس گرچه عقل و خرد مستقیماً با یکدیگر مرتبط نیستند ولی، از راه شناخت خداوند و اجرای فرامین "او"، عقل می تواند دارنده اش را شایسته دریافت خرد و حکمت نماید.

و

یک دانشمند، اندیشمند، یا فیلسوف، تنها از این طریق، مبدل به یک حکیم می شود.

ادامه داد:

- به طور کلی

تمامی امکانات و داشته ها، قابلیت ها، و موهبت های اعطایی به یک انسان (یا یک امت) می توانند توسط او (یا ایشان)، در راه شناخت خداوند و اجرای فرامین "او"، همچون دانه هایی در زمین دنیا کاشته شوند تا، متناسب با نیت او (یا ایشان)، به خواست "او"، در آخرت محصول دهند.

به همین دلیل است که فرموده اند:

دنیا مزرعه آخرت است

ادامه دارد